



اربعین است...

ولی، چهل روز گذشت...
حقیقت، عریان‌تر و زلال‌تر از همیشه، از افق خون سر برآورد. کربلا به بلوغ خویش رسید و جوشش خون شهیدان، خاشاک ستم را به بازی گرفت.
خونی که آن روز در غریبانه‌ترین غروب، بر گمنام‌ترین زمین و در عطشناک‌ترین لحظه بر خاک چکه کرد، در آوندهای زمین جاری شد و رگ‌های خاک را به جنبش و جوشش و رویش خواند.
چهل روز است که یزیدیان، جز رسوایی ندیده‌اند و جز پتک استخوان‌کوب، فریادی نشنیده‌اند.

در غروب عطش‌آلود، وقتی برق شقاوت خنجری آبگون بر حنجره آخرین شهید نشست، وقتی صدای شکستن استخوان در گوش سم‌های تازه عوض شده پیچید، و آن‌گاه که خیمه‌ها در رقص شعله‌ها گم شدند، جالادان همه چیز را تمام شده انگاشتند.
دشمن به جشن و سرور ایستاد و نوازندگان، دست‌افشان و پای‌کوبان، در کوچه‌های آراسته، به انتظار کاروانی نشستند که با هفتاد و دو داغ، یا هفتاد و دو پرچم، با شکسته‌ترین دل و تاول‌زده‌ترین پا، به ضیافت تمسخر و طعنه و خاکستر و خنده می‌آمد.

اربعین است...

کاروان به مقصد می‌رسد. تیر عشق کارگر افتاده و قلب سیاهی چاک خورده است.

اربعین است...

هنگامه کمال خون، باروری عشق و ایثار، فصل روییدن. هنگام میثاق است و دوباره پیمان بستن. به راستی کدامین سر، سودای همراهی این سر بریده را دارد و کدامین همت، ذوالجناح بی‌سوار را زین خواهد کرد.

اربعین است...

عشق با تمام قامت بر قله گودال ایستاده و دو دستی که در ساحل علقمه کاشته شد، بلند و استوار، چنان نخل‌های بارور، سربرآورده است.

به راستی، کدامین یاور، به همنوایی و همراهی برمی‌خیزد؟

اربعین

در متون دینی یکی از تعبیرهای رایج عددی، تعبیر اربعین است که در بسیاری از موارد به کار رفته است. گفته شده که عدد چهل در سن انسان‌ها، نشانه بلوغ و رشد فکری است.

در قرآن آمده که «مِیقَات» موسی با پروردگارش در طی چهل روز حاصل شده است. روایت است که حضرت آدم چهل شبانه روز بر روی کوه صفا درحال سجده بود. اخبار و روایات متعددی با این مضامین وارد شده است، اما تنها چیزی که درباره برخی از این اعداد می‌شود گفت آن است که آن اعداد معین نشانه کثرت است اما بیش از این هرچه گفته شود، نمی‌توان به عنوان یک استدلال به آن نظر کرد.

روز بیستم صفر (اربعین) زمانی است که حرم امام حسین(ع) یعنی

کاروان اسراء از شام به مدینه مراجعت کردند. روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا(ص)، از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین(ع) بشتابد. او نخستین کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کرد.

زیارت امام حسین(ع) در این روز مستحب است. درباره استحباب زیارت اربعین، دو روایت در دست است: یکی تعلیم زیارت اربعین به صفوان جمال توسط امام صادق(ع) و دیگری روایت امام عسکری(ع) که زیارت اربعین را یکی از نشانه‌های مؤمن بیان می‌کند.

شیعیان بر اساس اعتباری که این روز میان آنان داشته، زیارت اربعین می‌خوانده‌اند و اگر می‌توانسته‌اند مانند جابر بر مزار امام حسین(ع) گرد آمده و آن امام را زیارت می‌کردند. این سنت تا امروز، با قوت برپاست و میلیون‌ها شیعه از سراسر جهان در این روز بر مزار امام حسین(ع) جمع می‌شوند.

دلیل بزرگداشت اربعین

مهم‌ترین نکته درباره اربعین، روایت امام عسکری(ع) است: «نشانه‌های مؤمن پنج چیز است:

۱- خواندن ۵۱ رکعت نماز (نمازهای واجب، نماز شب، نوافل)

۲- زیارت اربعین

۳- قراردادن انگشتری در دست راست

۴- پیشانی را در سجده بر خاک نهادن

۵- بلند خواندن **بسم الله الرحمن الرحیم** در نماز.»

این حدیث، مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در منابع دعایی آمده، به اربعین امام حسین(ع) و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است.

در مصباح‌المتعبد نیز درباره خواندن زیارت اربعین، آدابی ذکر شده است.

اربعین و عید اربعین

منشأ اربعین

در منابع، به این روز به دو اعتبار نگریسته شده است:

نخست روزی که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند.

دوم روزی که جابر بن عبدالله انصاری، به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را زیارت کند.

شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجد می‌نویسد: بیستم ماه صفر روزی است که حرم سید ما اباعبدالله الحسین(ع) از شام به مدینه مراجعت کرد و نیز روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا(ص) از مدینه وارد کربلا شد تا قبر حضرت را زیارت کند.^۲

مضمون این مطالب در منابع دیگری همچون نزهة الزاهد^۳، ترجمه فارسی فتوح ابن اعثم^۴ و مصباح کفعمی که از متون دعایی بسیار مهم قرن نهم هجری می‌باشد، نیز آمده است. در هر صورت، **زیارت اربعین** از زیارت‌های مورد وثوق امام حسین(ع) است که از لحاظ معنا و مفهوم قابل توجه است.

بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا

شیخ طوسی، اربعین را زمان بازگشت اسرای کربلا از شام به مدینه دانسته است. نقلی دیگر، اربعین را بازگشت اسرا از شام را به «کربلا» تعیین کرده است. از لحاظ منابع کهن، اعتبار سخن نخست بیش از سخن دوم است.

در متونی مانند «لهوف» آمده که اربعین، مربوط به زمان بازگشت اسرا از شام به کربلاست. اسیران، از راهنمایان خواستند تا آنها را از کربلا عبور دهند.

آنچه مشخص است این است که نخستین زیارت امام حسین(ع) در نخستین اربعین توسط جابر بن عبدالله انصاری صورت گرفته و از آن پس ائمه اطهار(ع) که از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین(ع) بهره می‌گرفتند، آن روز را به عنوان روزی که زیارت امام حسین(ع) در آن مستحب است، اعلام فرمودند.

زیارت اربعین

متن زیارت اربعین از سوی حضرت صادق(ع) انشاء شده و با داشتن مضامین عالی، شیعیان را از زیارت آن حضرت در این روز برخوردار می‌کند.

اهمیت خواندن **زیارت اربعین** تا جایی است که از علائم شیعه دانسته شده، این زیارت در مصباح المتهجد شیخ طوسی و تهذیب الاحکام وی آمده است.

زیارت اربعین از جهاتی مشابه برخی دیگر از زیارات است، اما از آن روی که مشتمل بر برخی از تعابیر جالب در زمینه هدف امام حسین(ع)

اربعین و عید اربعین

از قیام است، دارای اهمیت ویژه می‌باشد. در بخشی از این زیارت درباره هدف امام حسین(ع) از این نهضت آمده: «وَيَذَلُّ مُهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتْ تَقْدُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةُ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْذَلِ الْأَدْنَى». خدایا، امام حسین(ع) همه چیزش را برای نجات بندگانت از نابخردی و سرگستگی و ضلالت در راه تو داده در حالی که مشتی فریب خورده که انسانیت خود را به دنیای پست فروخته‌اند بر ضد وی شوریده آن حضرت را به شهادت رساندند.

در برخی از روایاتی که در باب زیارت امام حسین(ع) در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه آمده، گریه چهل روزه آسمان و زمین و خورشید و ملائکه را بر امام حسین(ع) یادآوری شده است.^۵

۱. مستدرک وسائل ج ۹، ص ۳۲۹.

۲. مصباح المتهجد، ص ۷۸۷.

۳. نزهة الزاهد، ص ۲۴۱.

۴. الفتوح ابن اعثم، تصحیح مجد طباطبائی، ص ۹۱۶.

۵. اربعین شهید قاضی، ص ۳۸۶.



بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا

